

# خبرنامه موسسه توانمندسازی مهر و ماه ۱۴۰۳



یک سال، یک نگاه..... ۳

کودکان..... ۱۳

زنان ..... ۱۷

داوطلبان..... ۲۱

گزارش‌های تصویری..... ۲۳

**نویسندگان:**

مریم ابراهیمی عراق‌نژاد  
آرزو دیداری  
افخم صباغ  
نسیم گل‌محمدی  
محبوبه نوروزی

**مدیر اجرایی:**

محبوبه نوروزی

**صفحه آرا:**

بهناز شعبان زاده

**عکاسان:**

صبا طاهریان  
لیلا رویانیان  
سایر همکاران موسسه

**آینده از آن زنان و کودکانی خواهد بود که امید به فردا  
در دلشان زنده شده است.**

## سرمقاله خبرنامه سالانه مؤسسه مهروماه

در ما هزاران امید زنده است هنوز...

با وجود همه دشواری‌هایی که شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم بر کشور، و همچنین بحران‌ها و حوادث سال ۱۴۰۳ بر جامعه تحمیل کرد، ما توانستیم یک سال دیگر را در کنار زنان و کودکان رنج‌دیده بگذرانیم؛ بی‌آنکه لحظه‌ای در مسیرمان تردید کنیم. در سرزمینی که آسیب‌های اجتماعی ناشی از فقر و نابرابری، بیش از همه زنان و کودکان اقشار فرودست را نشانه می‌گیرد، «مهروماه» خانه امنی بود برای آنان؛ پناهگاهی در دل طوفان.

روزهایی را گذرانیدیم که کودکان مهاجر، مشتاقی تحصیل، از مدرسه بازمانده بودند؛ روزهایی که هزینه‌های سرسام‌آور ثبت‌نام در پیش‌دبستانی—در مدارس دولتی—خانواده‌ها را به ناامیدی کشانده بود. زنانی با زخم‌هایی بر چهره و تن، به مددکاران ما پناه می‌آوردند، و خانواده‌هایی که زیر فشار تورم کمر خم کرده بودند، چشم به لبخند کوچکی از سوی ما دوخته بودند. در تمام این لحظات، ما با شوق دیدن لبخند بر صورت یک کودک، ایستادیم.

و چه لحظات شیرینی بود شنیدن خبر قبولی نوجوانانمان در دانشگاه‌ها؛ پاییز که آمد، یکی یکی خبرها رسید: یکی، دو تا، سه تا... تا رسیدیم به نه نفر. شور و شوقی در دل همه ما جوانه زد. این قبولی‌ها برای مهروماه فقط یک موفقیت تحصیلی نبود؛ بلکه تأییدی بود بر باور ما که همه کودکان مستعدند، اگر بستر عادلانه‌ای برای رشدشان فراهم باشد.

اما خبرهای خوب تنها به دانشگاه خلاصه نشد. کودکانی که پس از مداخلات تیم مددکاری و روانشناسی، نخستین نشانه‌های آرامش را به چهره بازی‌گردانند؛ زنانی که با شرکت در کارگاه‌های مهارت‌آموزی و سوادآموزی، معنای تازه‌ای برای زندگی می‌یافتند؛ گروه‌های خودیار زنان در زمینه صنایع دستی، خیاطی و آشپزی که به اقتصاد خانواده جان بخشیده بودند—همه اینها دستاوردهایی بودند که به ما انگیزه می‌دادند برای ادامه راه.

روزی که یکی از معلمان، نامه‌ای را با امضای دسته‌جمعی دانش‌آموزان کلاس سوم آورد—نامه‌ای برای درخواست ایجاد یک بوفه در مؤسسه—همه ما به وجد آمدیم. بچه‌ها یاد گرفته بودند برای خواسته‌هایشان چه مسیری را باید طی کنند. این روحیه مشارکت و مطالبه‌گری بعدها در درخواست‌هایی مانند گردش علمی و دیگر برنامه‌ها تکرار شد.

انشاهای بچه‌ها، در کلاس‌ها، آینه‌ای است از حال و روز جامعه. کلاس‌ها، خود درسی هستند برای ما، و برای هر مسئولی که دل در گروی آینده این سرزمین دارد.

خوشحالمیم که در کنار شما، توانسته‌ایم قدم‌هایی—هرچند کوچک—برای آوردن شادی به زندگی زنان و کودکان برداریم.

در ما، هزاران امید زنده است هنوز...

افخم صباغ

## یک سال، یک نگاه

با وجود همه دشواریها و بحران‌های جامعه در سال ۱۴۰۳ توانستیم با شما همچنان در کنار زنان و کودکان در معرض آسیب جامعه بمانیم و لحظه‌ای در ادامه مسیرمان تردید نکنیم.

همچون سال‌های گذشته، فعالیت‌های موسسه مهروماه نیز در سه محور اصلی آموزش، مددکاری اجتماعی و حرفه‌آموزی برنامه ریزی و اجرا گردید. بیش از ۴۲۰ کودک و خانواده آنها طی سال گذشته از خدمات مهروماه خانه دوشان بهره مند شدند.

همان گونه که پیش‌بینی می‌شد، ثبت‌نام کودکان مهاجر در سال ۱۴۰۳ با سخت‌گیری‌های بیشتری نسبت به سال‌های گذشته همراه بود. پیگیری‌ها و تلاش‌های مؤسسه و خانواده‌ها متأسفانه نتیجه‌ای نداشت. جلسات و مکاتبات گسترده با مرجع ملی حقوق کودک، سازمان بهزیستی و سایر نهادها نیز مؤثر واقع نشد و تعداد زیادی از کودکان از تحصیل در مدارس دولتی بازماندند. حتی برخی کودکانی که در سال‌های گذشته در مدارس دولتی تحصیل می‌کردند، امسال موفق به ثبت‌نام نشدند. این امر جز افزایش چشمگیر تعداد کودکان بازمانده از تحصیل، ره‌آوردی نداشت.

مهروماه تلاش دارد در سه حوزه فعالیت میدانی/ ترویج و آگاهی بخشی / مطالبه‌گری، فعالیت‌های خود را شکل دهد.

همه این فعالیت‌ها تلاشی است در جهت حذف/ کاهش کار کودک، کودک‌آزاری، کودک‌همسری، خشونت خانگی اعم از جسمی و جنسی، بیسوادی، خودکشی، اعتیاد، بی‌خانمانی و .... چه در سطح خرد در حوزه فعالیت‌مان، چه در سطح کلان‌تر بصورت ترویج و آگاهی‌رسانی و مطالبه حقوق زنان و کودکان. در ادامه بخشی از فعالیت‌های اصلی مهروماه به اختصار آمده است.

### آموزش



فعالیت‌های واحد آموزش مهروماه در چهار کمیته پیش‌دستانی، آموزش به کودکان بازمانده از تحصیل (در دو شاخه ابتدایی و دانش و مهارت)، حمایت تحصیلی و سوادآموزی زنان ادامه پیدا کرد. کلبه کلاسهای آموزشی در خرداد ماه مطابق برنامه‌های سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ به پایان رسید و در مه‌ماه فعالیت‌های آموزشی برای سال جدید تحصیلی آغاز شد.

با توجه به تقویم آموزشی و بازه زمانی گزارش، به ناچار کلبه فعالیت‌های آموزشی در دو نیم سال بصورت مجزا توضیح داده می‌شوند.

### پیش‌دستانی



در شش ماه نخست تمرکز بر اتمام دوره آموزشی سال قبل بود. با توجه به سطح سواد خانواده‌های کودکان ساکن در مناطق حاشیه‌نشین آموزش این کودکان پیچیدگی‌هایی دارد که بعضاً آموزش تعدادی از آنها به تابستان نیز می‌کشد. به همین منظور کلاس‌هایی برای تعدادی از کودکان بصورت تکمیلی برگزار شد. مطابق برنامه هر سال، در تابستان پیگیری‌های لازم برای ثبت‌نام کودکان در مدارس دولتی انجام شد. در مرداد و شهریورماه نیز غربال‌دانش‌آموزان برای سال تحصیلی جدید انجام شد و به دنبال آن از مجموع ۸۳ مراجعه ۵۷ کودک توسط



کمیته‌های آموزش و مددکاری اجتماعی و روانشناسی مصاحبه شدند و در مورد پذیرش و عدم پذیرش در تیم تخصصی تصمیم‌گیری شد.

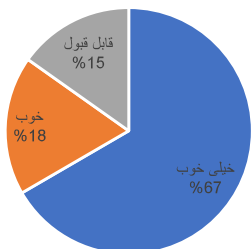
تعداد کودکان تحت پوشش آموزش پیش دبستانی		
فصل	تعداد کلاس	تعداد کودک
بهار	۳	۵۱
تابستان	۲	۴۴
پاییز	۳	۵۷
زمستان	۳	۵۶



دوره‌های پیش‌دبستانی با تقویت مهارت‌های پایه‌ای کودکان باعث می‌شود اگر کودکی در خانواده از آموزش‌های لازم کمتر برخوردار بوده است این آموزش‌ها در دوره پیش‌دبستانی جبران شود. تمامی موارد فوق موجب پیشگیری از افت تحصیلی کودکان در سال‌های اول آموزش ابتدایی و جلوگیری از ترک تحصیل به دلیل سرخوردگی از آموزش در سال‌های ابتدایی است.

با توجه به این مهم، مؤسسه تاکید دارد کودکانی را که بنا به دلایلی از آموزش در مقطع پیش‌دبستانی محروم هستند مورد حمایت قرار دهد و این آموزش‌ها را در محیط مؤسسه در اختیار این کودکان قرار دهد.

وضعیت کودکان پیش‌دبستانی ثبت‌نام شده در مدرسه بر اساس کارنامه ترم اول



## آموزش به کودکان بازمانده از تحصیل

افزایش سختگیری‌های ثبت نام از کودکان مهاجر در مدارس دولتی در سال ۱۴۰۳ سبب افزایش تعداد کودکان بازمانده از تحصیل شد. مهرماه بنابر رویکرد دفاع از حق آموزش کودکان علاوه بر تلاش در جهت شنیده شدن صدای کودکان در نهادهای تصمیم گیرنده از آموزش این کودکان غافل نمانده و با افزایش کلاسها در حد توان خود سعی در پوشش تعداد بیشتری از کودکان بازمانده از تحصیل داشت.

در راستای اجرای این هدف و بر اساس تجارب گذشته کمیته آموزش کودکان بازمانده به دلیل اختلاف سن زیاد بین این کودکان و نیازهای متفاوتی که با آن مواجه هستند، این کودکان را در دو گروه تقسیم می‌کند:

گروه بوستان: آموزش کودکان ۷ تا ۱۰ سال در قالب آموزش‌های رسمی مدارس از پایه اول تا ششم در کنار آموزش‌های اخلاق متناسب با این گروه سنی.

گروه دانش و مهارت: آموزش نوجوانان ۱۰ تا ۱۷ سال. در این دوره‌ها بخش سوادآموزی، در سطح کلاس اول، کلاس ۲-۳ و دوره انتقال، کلاس ۴-۵-۶ پیش برده می‌شود. در بخش سوادآموزی، نوجوانان می‌توانند در صورت موفقیت در امتحانات در دوره زمانی کمتر از یک سال پایه خود را به پایان برسانند و به پایه بالاتر بروند. علاوه بر این به دلیل نیازهای ویژه دوران نوجوانی برای این گروه از دختران و پسران کارگاه‌های منظم مبتنی بر موضوعات مهارت‌های زندگی و در مواردی حرفه‌آموزی تشکیل می‌شود تا هدف آموزش که همان زیستن بهتر است کامل‌تر محقق شود.



تعداد کودکان بازمانده از تحصیل موسسه مهرماه در سال ۱۴۰۳

سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴	سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳	پایه
۴۰	۳۷	اول
۲۰	۱۰	دوم
۹	۱۳	سوم
۱۵	۱۱	چهارم
۶	۰	پنجم
۱۳	۰	ششم
۴	۰	هشتم
۲۸	۴۵	سوادآموزی و انتقال دختران
۳۰	۲۰	سوادآموزی و انتقال پسران

گروه دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل نیاز بسیار بالایی به ارائه خدمات مددکاری اجتماعی و روانشناسی دارند. به همین برای کودکان با شرایط ویژه، پرونده مددکاری تشکیل می‌شود.

در جلسات تخصصی متعدد با حضور معلمان، مددکار اجتماعی، روانشناس و کارشناس حوزه اختلال یادگیری، این تشخیص داده شد که برای برخی کودکان ادامه کلاس به شیوه متعارف مثرتر نیست و باید از روش‌هایی از قبیل بازی و آموزش‌های اولیه این کودکان را آموزش داد. از این رو برای این کودکان کلاس‌های تکمیلی زیر نظر مربی با سابقه که به صورت داوطلبانه با مؤسسه همکاری دارد تشکیل شد که ارزیابی اولیه از اثرگذاری قابل توجه بر فرآیند یادگیری کودکان حکایت دارد.

**تغذیه:** سوء تغذیه از مهمترین مشکلات شایع در میان کودکان مناطق حاشیه نشین است. لذا موسسه سالهاست که با یک برنامه غذایی مناسب بصورت روزانه از کودکان پذیرایی می‌کند. تغذیه مناسب روزانه در میزان یادگیری کودکان تاثیر بسزایی دارد.

## سوادآموزی



جامعه هدف کمیته سوادآموزی در مؤسسه مهرماه زبانی هستند که در دوران کودکی از حق بدیهی آموزش محروم بوده‌اند اما با پیگیری‌های مؤسسه و آموزش‌های ارائه شده بر آن شده‌اند که امروز این توانمندی را در خود ایجاد کنند و از طریق سوادآموزی با رویکرد توان‌افزایی دریچه جدیدی را به روی زندگی خود و فرزندانشان باز کنند. زنان سوادآموز با شرکت در کلاس‌های سوادآموزی نه تنها توانمندی خواندن و نوشتن را در خود پرورش می‌دهند بلکه از این طریق می‌توانند در امور روزمره خود مستقل‌تر عمل کنند و به دنبال آن هم خود عزت نفس بیشتری می‌یابند و هم نقشی فعال‌تر و اثرگذارتر در خانواده پیدا می‌کنند.

همانند سال گذشته با عقد تفاهم نامه‌ای میان دو مؤسسه مهرماه و موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان دوره سوادآموزی کاربردی ادامه یافت. با توجه به نتایج مناسب دوره قبل تصمیم و هماهنگی‌های صورت گرفته بین دو مؤسسه این آموزش در سال جدید در دو پایه برگزار گردید.

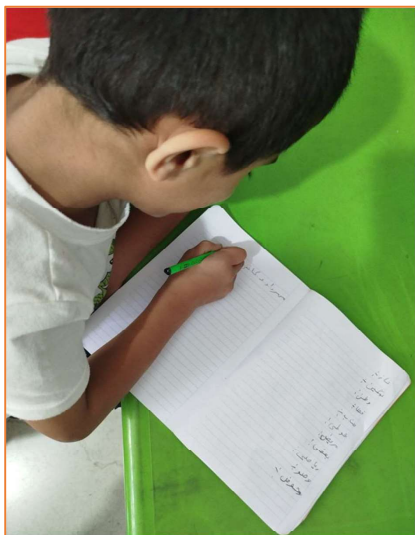
شیوه تدریس این کلاس‌ها بصورت کاربردی و با مشارکت خود زنان صورت گرفته است. در آموزش به زنان نیازهای کاربردی آنها مانند ارسال صدا و پیامک، جست‌وجو کردن در اینترنت، استفاده از مترو، تشخیص تاریخ تولید و تاریخ انقضای محصولات و موارد مشابه آموزش داده می‌شود. ارزیابی‌های انجام شده از پیشرفت مادرانی که مداوم در کلاس حضور داشتند حکایت دارد.

تعداد شرکت‌کنندگان		نوع طرح
شش ماه نخست	شش ماه دوم	
۱۲	۲۹	سوادآموزی کاربردی اول
۱۴	۱۶	سوادآموزی عمومی

## پشتیبانی تحصیلی

هرچند تحصیل رایگان حق همه کودکان است اما بسیاری از کودکان به دلایل مختلف از جمله هزینه زیاد آموزش حتی در مدارس دولتی از این حق محروم شده‌اند. طرح پشتیبانی تحصیلی تشکیل شده‌است تا از کودکانی حمایت کند که به واسطه فقر خانواده و نبود امکانات از داشتن شرایط مناسب تحصیلی و ادامه تحصیل محروم هستند. در واقع این طرح از ترک تحصیل کودکان پیشگیری و از ورود کودکان بیشتر به چرخه کار و بازماندگی از تحصیل جلوگیری می‌کند.

در سال ۱۴۰۳ تعداد ۱۸۸ کودک توسط ۱۰۳ حامی تحصیلی تحت پوشش این طرح قرار داشتند که علاوه بر تأمین هزینه تحصیلی، وضعیت معیشتی، تحصیلی و سلامت کودکان نیز بررسی شد. ارائه کلاس‌های تقویتی با هدف جبران کمبود آموزشی کودکان بخش دیگر فعالیت‌های این بخش است که به طور کامل مبتنی بر خدمات داوطلبانه مؤسسه است. تعداد ۱۲۷ کودک در این کلاس‌ها و کلاس‌های فرهنگی و هنری مؤسسه شرکت داشتند.



همچنین در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ تعداد ۹ نفر از نوجوانان مؤسسه در دانشگاه پذیرفته شدند.



## مددکاری اجتماعی و روانشناسی

کلیه فعالیت‌های مهروماه با محوریت کمیته مددکاری اجتماعی و روانشناسی صورت می‌گیرد. مددکاری اجتماعی مهروماه فعالیت‌های خود را در سه حوزه فردی، گروهی و جامعه‌ای شکل داده است. در بخش روانشناسی نیز فعالیت‌ها در سه سطح (پیشگیری اولیه، پیشگیری ثانویه و درمان) پیش برده شده‌اند. در نمودار زیر مهمترین فعالیت‌های این بخش خلاصه شده است.

خلاصه فعالیت‌های تخصصی کمیته مددکاری اجتماعی و روانشناسی

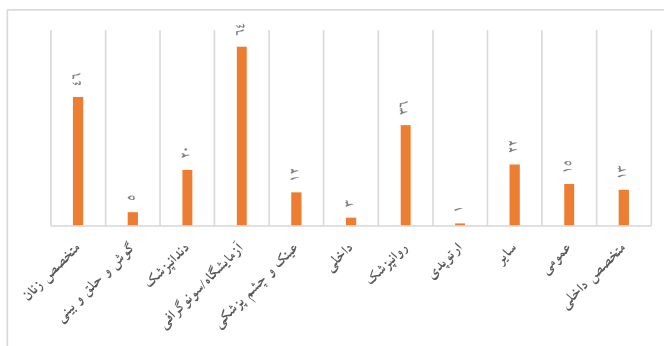


یکی از بزرگترین نیازهای اقشارفرو دست دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی است که متأسفانه به علت هزینه‌های زیاد این نوع خدمات از سبد هزینه‌های خانوارها حذف می‌شوند. موسسه با کمک داوطلبان بهداشت و درمان در پوشش بخشی از این خدمات همراه زنان و کودکان بوده و توانسته خدمات زیر را ارائه دهد. نمودارهای زیر تعداد بهره‌مندان از این خدمات را نشان می‌دهد.

تعداد بهره‌مندان از خدمات بهداشت و سلامت مؤسسه مهروماه در سال ۱۴۰۳

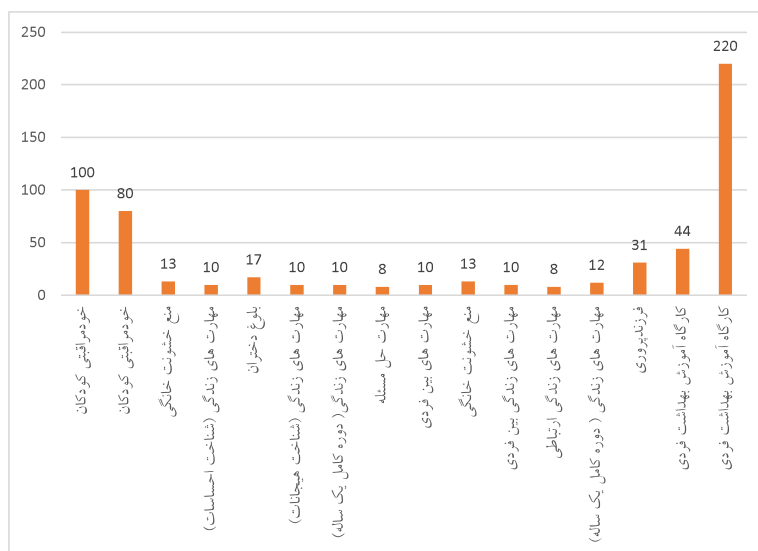


### تعداد بهره‌مندان از خدمات درمانی مؤسسه مهروماه در سال ۱۴۰۳



در مجموع تعداد ۲۹ پزشک متخصص، ۶ مرکز درمانی و ۴ آزمایشگاه و عینک سازی و ۳ روانشناس، دو پزشک عمومی و یک ماما بصورت داوطلبانه همکاری داشتند. پزشک و ماما بصورت داوطلبانه در محل مؤسسه حضور مستمر داشتند. در مجموع خدمات بهداشتی و درمانی ارائه شده در سال ۱۴۰۱ ارزشی معادل ۹۵ میلیون تومان داشته‌است.

### تعداد شرکت‌کنندگان در کارگاه‌های مددکاری و روانشناسی



### میزان خدمات حمایتی از خانواده‌ها براساس تشخیص تیم مددکاری اجتماعی

۵,۶۰۰,۲۳۰,۰۰۰	معادل ریالی کالاهای اهدایی به خانواده‌ها
۱,۵۴۷,۵۰۰,۰۰۰	کمک بلاعوض درمانی- تحصیلی- لوازم ضروری

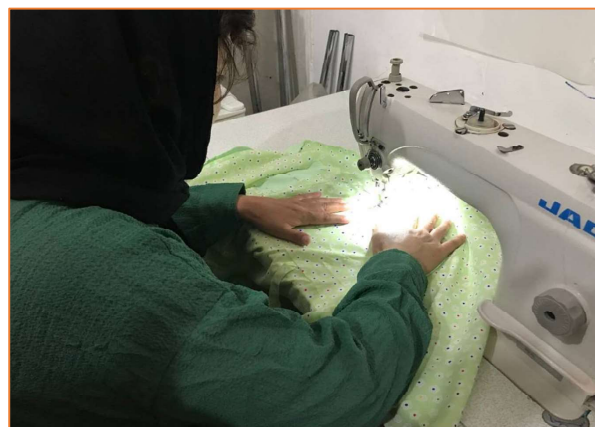
### کودکان کار

تعداد زیادی از کودکان بازمانده از تحصیل و همچنین طرح حمایت تحصیلی کار می‌کنند. خدمات آموزشی و حمایتی و پشتیبانی مددکاری از کودکان سبب کاهش کار کودکان شده‌است. با اینحال در سال ۱۴۰۳ تعداد ۶۴ کودک همچنان کار می‌کردند و این به جز کودکانی است که فصلی کار می‌کنند.

### کارآفرینی

مطالعات در حوزه توسعه نشان داده که دستیابی به توسعه پایدار بدون مشارکت فعال زنان در تمامی عرصه‌ها امکان‌پذیر نیست. یک راهکار برای توسعه مشارکت زنان، دسترسی آن‌ها به منابع مالی جهت تغییر شرایط زندگی آنان است، زیرا توان‌افزایی اقتصادی یکی از ۵ مرحله توان‌افزایی می‌باشد.

افزایش امنیت اقتصادی خانواده، تقویت موقعیت و قدرت تصمیم‌گیری زنان، افزایش خودباوری و عزت نفس زنان، کاهش وابستگی و آسیب‌پذیری، با توانمندی اقتصادی زنان ایجاد می‌گردد.



با همین رویکرد، بخش کارآفرینی و صنایع دستی زنان، از سال ۱۳۹۲ فعالیت خود را آغاز کرد و ابتدا با ایجاد بخشهای حرفه‌آموزی و سپس با تشکیل گروه‌های تولیدی، توانست بخشی از زنان محله را با حرفه‌آموزی به مرحله کسب درآمد برساند. فعالیتهای بخش کارآفرینی مهروماه در ۴ حوزه پیش برده می‌شود:

آموزش: در سال ۱۴۰۳ تعداد ۶۲ نفر تحت آموزش موسسه (پته دوزی، خیاطی، چرخ دوزی و آشپزی) قرار گرفتند. این آموزش‌ها کمک می‌کند تا این زنان بتوانند به تدریج و به صورت مستقل به فعالیت اقتصادی بپردازند.

تولید: در سال ۱۴۰۳ در مجموع ۳۳ نفر در بخش صنایع دستی فعالیت داشتند و ۱۲ نفر با چرخ صنعتی در خانه مشغول هستند. تشکیل گروه جدید مهریوش از دل همین کلاس‌های آموزشی خیاطی نشان از به بار نشستن آموزش هدفمند بوده‌است. زنان گروه مهریوش با قبول سفارشات خیاطی نیز هانند زنان گروه مه‌رسا (تولیدات صنایع دستی) به کسب درآمد رسیده و ضمن تجربه کار گروهی در مدیریت و برنامه‌ریزی فعالیت‌ها، نقش فعالی دارند.



تولید غذا (مهرچین): بخش مهرچین شامل گروهی از زنان و دختران مهروماه است که در کنار هم در بخش تولید مواد غذایی فعالیت می‌کنند. این گروه خودیاری علاوه بر تهیه مواد غذایی نیمه آماده برای مهمانی‌ها و مراسم‌ها نیز سفارش قبول می‌کنند و توانسته‌اند کسب درآمد داشته‌باشند.



## فرهنگ و هنر

آموزش، تعلیم و تربیت نقش مهمی در تعامل بین انسان و محیط دارد، البته نه هر نوع آموزشی بلکه آموزش و پرورش سیستمی، که بر جنبه‌های کیفی تمرکز داشته باشد. آموزش هنر نیز بخشی از نظام آموزشی محسوب می‌شود که تقریباً در آموزش رسمی نادیده گرفته شده است. شرکت کودک در فعالیتهای هنری باعث می‌شود که مفهومی به نام همیاری را تجربه کند و به فرایند اجتماعی شدن وی کمک می‌کند. از طرفی باعث رشد مهارت تفکر و بروز احساسات به شیوه مناسب خواهد شد. لذا آموزش هنر نقش بسزایی در جهت رشد روانی، عاطفی، شناختی و اجتماعی کودکان دارد.







در مهروماه تلاش می‌شود تا با ایجاد بستری مناسب زمینه های رشد ذهنی، عاطفی، اجتماعی و هویتی کودکان فراهم گردد. این فعالیت‌ها فراتر از سرگرمی هستند و می‌توانند نقش موثری در پیشگیری از آسیب‌ها و شکوفایی استعدادها ایفا کنند.

در سال ۱۴۰۳ تلاش شد کلاس‌های خانه فرهنگ به ویژه در تابستان با رونق بیشتری پیش برده شود. برگزاری جشن‌ها و دوره‌های، اردوهای تفریحی و کلاس‌های فرهنگی و ورزشی بخش اصلی فعالیت‌های این بخش در سال ۱۴۰۳ بوده است. حضور ۵۴ نفر در کلاس‌های ورزشی و ۳۱۵ نفر در کلاس‌های فرهنگی و هنری (کودکان ممکن است در دو یا سه کلاس شرکت کرده باشند) بخشی از فعالیت‌های این کمیته بوده است.

یکی از برنامه‌های مهم فرهنگی مؤسسه، مشارکت مؤسسه در جشن مهر کتاب مؤسسه مهرطه می‌باشد. این جشنواره که یازدهمین سال خود را پشت سر می‌گذارد هر ساله با مشارکت نوجوانان موسسات مختلف برگزار می‌شود. در این جشنواره هیئت‌داوران که متشکل از نوجوانانی است که طی سال کتاب‌های معرفی شده توسط دبیر جشنواره را مطالعه و در جلسات نقد موسسات خود شرکت کرده‌اند، از بین آنها بهترین کتاب و بهترین

مولف را انتخاب می‌کنند. دختران نوجوان مؤسسه مهر و ماه همیشه سهم بالایی از اعضای هیئت‌داوران را به خود اختصاص می‌دهند.



موسسه مهروماه افتخار دارد در کنار شما حامیان همیشگی‌اش این فعالیت‌ها را برای سال‌های آینده و متناسب با نیازهای جامعه هدف خود پیش برد. معتقدیم در کنار هم می‌توانیم فردای بهتری برای یکدیگر رقم بزنیم.

## سیاره‌ای تنها



اسمش ناهید (نام مستعار) بود. با چشم‌هایی پراز ترس، ترسی که در جای جای چهره‌اش دیده می‌شد. همیشه انتهای کلاس روی صندلی آخر می‌نشست؛ با حالتی مغموم و درخودفرورفته.

با بچه‌ها و معلم‌ها معاشرت نمی‌کرد و تمایلی به کارهای گروهی نداشت. در ظاهر به بازی با همکلاسی‌هایش علاقمند بود اما زنگ تفریح‌ها را به تنهایی روی نیمکتی دور و خالی سپری می‌کرد.

وقتی از او می‌خواستیم با دیگران بازی کند بی‌علاقگی‌اش را به روش‌های مختلف نشان می‌داد اما در عمق چشمانش پر از حسرت بود و با وجود دیوار بلندی که دور خود کشیده بود راهی برای نزدیکی به او پیدا نمی‌کردیم. از سوی دیگر، همکلاسی‌هایش بخاطر رفتارهای مزوی از او دوری می‌کردند.

اکثر معلم‌ها معتقد بودند ناهید در هیچ کلاسی مشارکت فعال ندارد.

می‌دانستیم او فال می‌فروشد و تا پاسی از شب به همراه مادر و خواهرش در خیابان‌ها پرسه می‌زند. یک روز وقتی به تنهایی در حیاط مدرسه نشست بود به سراغش رفتم و از او خواستم به من اعتماد کند و از خودش بیشتر بگوید. به دخترک اطمینان دادم من به عنوان یکی از معلم‌هایش در کنارش هستم و قرار است فقط شنونده‌ی احوالاتش باشم.

اضطراب در چشمانش موج می‌زد خودش را جمع‌وجور کرد و بعد با صدای نسبتاً بلند گفت: نه خانم من حرفی ندارم، از زندگیم راضیم، خانوادم را دوست دارم و ...

با آرامش دستش را گرفتم و گفتم: من فقط شنونده‌ام!

جواب داد: ولی من می‌ترسم از مدرسه اخراج کنید!

چرا؟ کلمه‌ای که با تعجب از دهانم خارج شد!

پاسخ داد: مادرم گفته اگر شما و معلم‌های دیگه و خانم مدیر بدونید اجازه نمی‌دید وارد مدرسه بشم!

گفتم: به خاطر کار کردنت؟

تعجب کرد و گفت: خانم شما می‌دونید من کار می‌کنم؟ خواهش می‌کنم به بچه‌ها نگید منو مسخره می‌کنند!

جواب دادم: من، خانم مدیر و مددکارها از شرایط تو باخبریم.

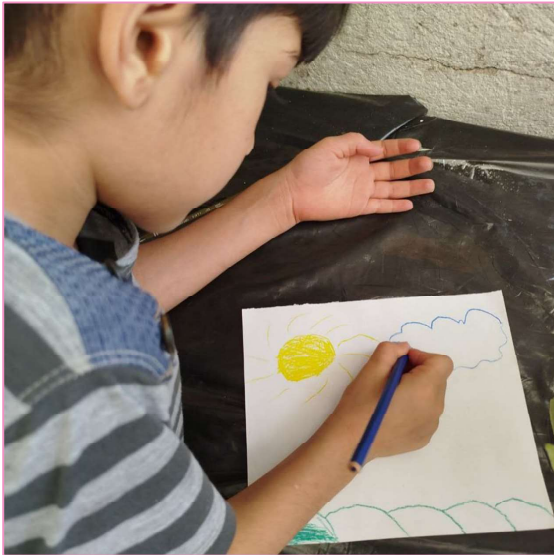
گفت: خانم! من اصلاً دوست ندارم دروغ بگویم، اما ترسیدم همکلاسی‌هایم مسخره‌ام کنند و شما هم من را از مدرسه اخراج کنید! خواهش می‌کنم من را ببخشید!

به او اطمینان دادم نگرانی ما بخاطر خستگی و آسیب‌های احتمالی در فضای نامناسب کار است و همه‌ی ما خیلی زیاد دوستش داریم. چشمهای زیبایش خندید و وقتی آه می‌کشید معلوم بود خیالش راحت‌تر شده.

بعد از آن روز ناهید در کلاس‌ها به صورت فعال حاضر شد، بیشتر با دوستانش بازی کرد و غم عمیق چهره‌اش کم‌رنگ شد.

هر بار که این ماجرا را مرور می‌کنم جادوی امنیت و شنیده شدن باعث می‌شود لبخندی بر لبانم نقش ببندد و از ایجاد صمیمیت و احساس آرامش در حتی یک نفر، شادمان شوم.

### ترس گفتن، امید دیده شدن!



روایت بهار، دختری که یاد گرفت صدایش را پنهان نکند.

"مامانم همیشه عصبانیه. وقتی برمی‌گرده خونه، صداشو بالا می‌بره. آگه چیزی بخوام، دعوا می‌کنه. می‌گه لوس شدی. به بار با سوزن ته‌گرد زد به پام. هنوزم دردش یادمه... ولی بیشتر از اون، اینکه اصلاً نمی‌دونم چرا این کارو می‌کنه."

بهار (نام مستعار)، دختر ۱۲ ساله‌ای که با حس ناامنی بزرگ شده است همیشه ساکت، همیشه محتاط. از پدری می‌گوید که حضور دارد، اما فقط برای کنترل!

"بابام نمی‌ذاره مامانم بره سر کار. می‌گه لازم نیست، ولی خرجی نمی‌ده. مامانم ما رو با خودش می‌بره دست‌فروشی. باید از صبح تا شب توی خیابون وایسیم"

خانه برای بهار نه فقط بی‌مهر، که بی‌پناه هم بوده

"مامانم همیشه می‌گه باید ظرفا رو بشوری. هیچ‌وقت بهم نگفت که دوستم داره. همیشه یا عصبانیه یا ساکت. بابام آگه چیزی بخوام، عصبانی می‌شه و کتک‌مون می‌زنه.

در جلسات درمان، نگاه بهار بیشتر از حرف‌هایش فریاد می‌زد.

چشم‌هایی که مدام دنبال تایید بودند، به دنبال این که اگر الان حرف بزنم، طرد نمی‌شوم؟ اگر بگویم چه می‌خواهم، دوباره دعوا نمی‌شود؟

وقتی درباره برادر کوچکش حرف زد، صدایش برای لحظه‌ای شکست:

“وقتی کتک می‌خورم، فقط نگام می‌کنه... نمی‌دونه چی کار کنه. اون نگاه هنوزم تو ذهنمه”

درمان یعنی گاهی فقط کسی باشد که اخم نکند.

بهار اول جلسات، تقریباً حرف نمی‌زد. جمله‌هایش را نصفه نیمه می‌گذاشت. بارها گفته بود “بی‌خیال”، اما درمانگر فهمید پشت این بی‌خیال‌ها چه چیزی نهفته است: ترس از دوست‌نداشته‌شدن، از اشتباه‌بودن

ما فقط با او کار نکردیم. خانواده‌اش هم دعوت شدند به جلسات. مادری که زیر فشار روانی، فقر و رابطه کنترل‌گرانه فرسوده شده بود. پدری که محبت کردن بلد نبود، اما قدرت کنترل رو به‌خوبی می‌شناخت.

در جلسات خانوادگی، کم‌کم گفت‌وگو شکل گرفت. آهسته، ولی رو به بهبود

حالا... بهار هنوز می‌ترسد ولی پنهان نمی‌شود،

هنوز هم وقتی درباره خودش حرف می‌زند، نگاهش نگران می‌شود.

اما حالا یاد گرفته است داشتن خواسته‌ای، اشک ریختن، و احساساتی بودن، دلیل طرد شدن نیست.

بهار حالا نقاشی می‌کشد، گاهی صدای خودش رو ضبط می‌کند. می‌خندد، سوال می‌پرسد، و گاهی از دوست‌هایش می‌گوید

هنوز هم نگاه می‌کند... اما حالا با امید،

امید به این که کسی هست که صدایش رو می‌شنود حتی اگر صدایش هنوز می‌لرزد.

## در باغ خاطرات : خاطرات یک آموزگار

گوشه و کنار موسسه ماجراهای جالب زیادی اتفاق می‌افتد.

گاهی با خودم فکر می‌کنم شاید آنقدرها هم برای بازگویی هیجان‌انگیز نباشند اما این بار تصمیم گرفتم بعضی از آنها را برای دیگران روایت کنم.

داستان مادری که در کلاس‌های سوادآموزی باعلاقه و انگیزه‌ی بسیار درس می‌خواند و توانمندتر می‌شد و روزی که برایم به عنوان معلمش ماجرای دفتر و مدادی را تعریف کرد که در روز اول تحصیلش از من هدیه گرفته بود و همان چیزهای ساده انگیزه‌ی تلاش و استمرار این مادر شده بود، به من هم شور و عشق مضاعف می‌بخشید برای درکنار آنها بودن و ادامه دادن این مسیر دشوار اما لذت‌بخش!

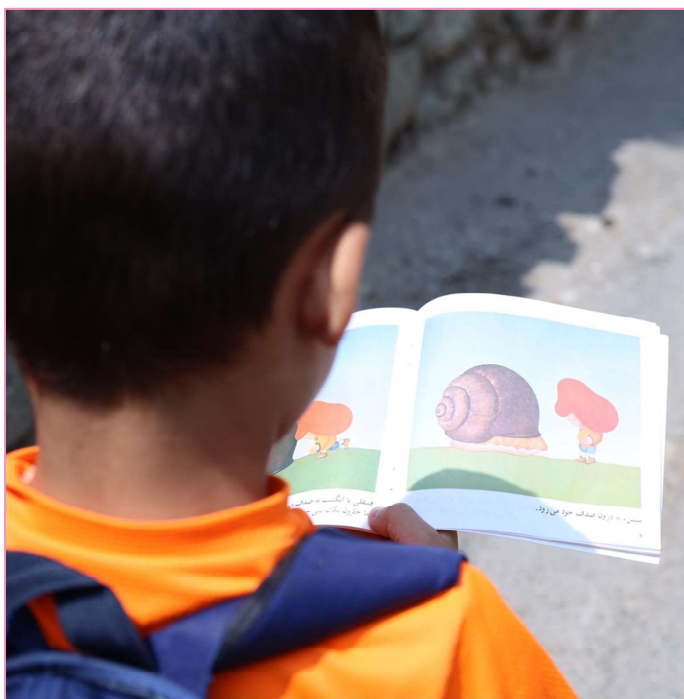
داستان دیگر وقتی اتفاق افتاد که یکی از شاگردان پیش‌دبستانی‌ام وقتی مشغول رنگ‌آمیزی نقاشی‌هایش بود و برای خودش چیزهایی زیرلب می‌گفت و من هم که انگار حواسم نبود شنیدم پسرک زمزمه می‌کرد: «اول خدا جان رو دوست دارم بعدش پدرم و مادرم و بعد خانوم "سمانه"».

و من که مادر هیچ کودکی نیستم از اعماق وجودم شاد شدم و خندیدم و اصطلاح خداجان که از کودکی خردسال آموختم تبدیل شد به واژه‌ای مقدس در زندگی من.

مادر مهگل (نام مستعار است) از مادرهای کودکان پیش دبستانی است و روزی در جلسات گروهی با والدین خطاب به جمع تعریف کرد وقتی مهمان به خانه می‌آید دخترش با لحن و کلام دلنشینی با دیگران صحبت می‌کند و توضیح داد که این تغییرات از وقتی که او در موسسه رفت‌وآمد دارد بیشتر شده است.

روزهایی می‌رسد که شاگردان با ذوق فراوان می‌خوانند حتی شب‌ها هم کنار من و همکلاسی‌هایشان بخوابند و یا مثل برنامه‌های کودک دسته‌جمعی به جنگل و طبیعت برویم و شب را هم، همان جا بمانیم.

تک تک این قصه‌هایی که روایت کردم به شکل عجیبی در قلب و روح ما آموزگاران نفوذ کرده و حتی بازگویی‌شان لبخند شوق بر لبانمان می‌نشانند و ما را برای ادامه‌ی مسیر مصمم‌تر می‌کند.



### از میان مادران و زنان

اکثر مادرها با اشتیاق و علاقه سرکلاس درس حاضر می‌شوند. شهلا (نام مستعار) با مخالفت‌های فراوان اطرافیان برای یادگیری و آموختن سواد مواجه بود.

او می‌گفت: من برعکس گفته‌ها عمل کردم و پیش رفتم. با تلاش‌های شخصی و حمایت همسرم اکنون قادرم برای فرزندم کتاب داستان بخوانم.

خانم رویا نصیری (نام مستعار) در عرض دو ماه توانست خود را به سطح قابل قبولی برساند و معتقد است همسرش نقش ویژه‌ای در پیشرفت‌های تحصیلی او داشته است و از هیچ حمایتی در این مسیر دریغ نکرده است.

در کلاس‌ها مادرها دیکته‌های یکدیگر را تصحیح می‌کنند و گاهی به من نیز املا می‌گویند.

آنها توانستند جمله‌سازی بیاموزند. امضای شخصی خود را پیدا کردند.

به اقوام و دوستان خود نامه نوشتند.

با شروع هر کلاس خلاصه‌ای از جلسه‌ی قبل را شرح می‌دهند.

به نقاشی و ساختن کاردستی علاقه‌ی زیادی نشان می‌دهند، آنها به مرور و با گذر زمان از رنگ‌های شاد بیشتری استفاده می‌کنند.

روزنامه دیواری زیبایی با محوریت کنترل خشم تهیه کردند و از کتاب داستان‌هایی که هر جلسه به منزل می‌برند تا برای اهل خانه بخوانند بسیار راضی هستند.

و در انتها باید گفت این همه تغییر و شکوفایی در زندگی زنان و مادران امیدبخش ما معلمان و راهنمایان می‌شود تا مسیر آموزش و توانمندسازی را مصمم‌تر پی بگیریم.



## دستان زنانه و دامن مهرچین



حسنی، که نام مستعار اوست، مدیریت مجموعه مهرچین را بر عهده دارد. از سال ۹۱ با موسسه مهروماه آشنا شد و کار خود را در بخش خیاطی آغاز کرد. اما با بارداری، برای مدتی از فعالیت‌های میدانی دور ماند. این دوری تا زمانی ادامه داشت که دخترش را در کلاس‌های پیش‌دبستانی مجموعه ثبت‌نام کرد و او تصمیم گرفت دوباره به چرخه فعالیت‌هایش برگردد.

در این برهه، مسئولین مهروماه در حال راه‌اندازی بخش جدیدی بودند که هدف آن ایجاد مشاغل تازه برای بانوان بود. حسنی به‌طور تصادفی از این جریان مطلع شد، اما در آن زمان نتوانست در بخش تهیه و تولید غذا مشارکت کند. با این حال، در سال گذشته او موفق شد به مهرچین ملحق شود و نقش مؤثری در رونق این مجموعه برجسته ایفا کند.

آشپزخانه‌ی مهرچین در ابتدای کار، برای حسنی و زنان همکارش، درآمد زیادی نداشت و با چالش‌های متعددی مواجه بودند. اما با گذر از روزهای دشوار و آسان، این گروه قدرتمندتر و با انگیزه‌تر به فعالیت‌های خود ادامه دادند و با ارائه غذاهای سالم و خوشمزه، توانستند طرفداران خود را پیدا کنند.

حسنی در این مسیر به مرور زمان، به اعتماد به نفس بیشتری در عرضه و ارائه‌ی غذاهای متنوع دست یافت و به ادامه‌ی مسیر با امیدواری و اشتیاق بیشتر نگاه می‌کند. به طوری که افزایش سفارش‌ها نشان‌دهنده‌ی موفقیت روزافزون او و گروهش است.





## چند همسری

چند همسری و چالش‌های ناشی از آن، داستانی غم‌انگیز و هشداردهنده است. خانواده‌ای با سه کودک و مادری که به دلیل مشکلات روانی، در وضعیت مطلوبی به سر نمی‌برد، در میانه‌های زندگی‌شان، دچار بحران عمیقی شدند. نقطه عطف این بحران زمانی فرارسید که پدر خانواده تصمیم به ازدواج مجدد گرفت. این تصمیم نه تنها جدال و درگیری‌ها را در خانواده تشدید کرد، بلکه بر دوش مادر بار سنگینی از مشکلات اقتصادی و استرس ناشی از حضور یک زن دیگر نیز سنگینی می‌کرد. این وضعیت باعث شد او در برابر همسر دوم مرد قرار بگیرد و برای حفظ آرامش و امنیت فرزندانش، نبردی بی‌پایان را آغاز کند.



اما داستان به همین جا ختم نشد. نشانه‌هایی از تغییرات نگران‌کننده در رفتار پدر نیز به چشم می‌خورد. مصرف مواد مخدر به یکی از واقعیت‌های تلخ زندگی او تبدیل شده بود. روزی دختر خانواده، به قصد بردن بسته‌ای برای پدر به خانه‌ی دوم او می‌رود. وقتی به آنجا می‌رسد و پدرش را در حالی فاجعه‌بار و دچار جنون مشاهده می‌کند، شوکه می‌شود. او با تصویری از پدری خونین و آشفته مواجه می‌شود که همه چیز را در اطرافش شکسته است. دخترک بیچاره، در حالی که مبهوت و لرزان است، تا سپیده‌دم نمی‌خوابد و حالش به شدت نامساعد می‌شود.

در این شرایط بحرانی، گروه مددکاری و روانشناسی مهرماه وارد عمل شدند. آن‌ها به‌طور فعال تلاش کردند تا با ارائه‌ی آموزش‌های مناسب و فراهم کردن احساس آرامش برای مادر و کودکان، وضعیت متشنج و بحرانی را به حد ممکن آرام کنند. این گروه نه تنها با روانشناسی و حمایت‌های اجتماعی، بلکه با تعامل و همدلی، به این خانواده کمک کردند تا از زندگی پر از تنش و اضطراب خارج شوند و امید را دوباره در دل‌های خود زنده کنند. با تلاش‌های مشترک، آنها به این نتیجه رسیدند که حتی در دل تاریکی‌ها، می‌توان نور امید را باز یافت.

## قامتی از صبر

او هنوز جوان است؛ شاید بیست‌وهشت، بیست‌ونُه ساله. ولی چهره‌اش خسته‌تر از سنش به نظر می‌رسد. از افغانستان آمده؛ وقتی که هنوز دختر نوجوانی بود، شاید چهارده یا پانزده سال داشت که او را به اجبار به عقد مردی درآوردند که حالا سنش به هفتاد و چند سال رسیده. مردی با اعتیاد شدید به تریاک و بیماری دیابت کنترل‌نشده‌ای که تا استخوان پایش پیش رفته و حالا دیگر پایی برایش نمانده تا بتواند راه برود.

این زن حالا سه فرزند دارد. دو پسر ده و دوازده ساله و یک کودک خردسال دو ساله. زندگی‌اش میان کارگری و پرستاری و مادری تقسیم شده. صبح‌ها بچه‌ی کوچکش را به دست همان دو برادر کوچک می‌سپارد و خودش می‌رود خانه‌ی مردم برای نظافت. در ازای ساعت‌ها کار، پول ناچیزی می‌گیرد. گاهی آن‌قدر کم که باید با صاحب‌کارش چانه‌بند تا فقط بتواند نانی به خانه‌ی برد.



بیمار است. روانش تاب ندارد. سال‌ها فشار، سال‌ها تحمل، او را به مرز فرسودگی کشانده. بارها دچار حملات عصبی و پنیک شده. یک بار توانست به کمک ما به روان‌پزشک مراجعه کند، دارو گرفت، اما در خانه به او اجازه‌ی مصرف ندادند. تابوی مصرف داروی روان‌پزشکی در فرهنگ‌شان آن‌قدر سنگین است که حتی فرزندان نگران بودند “مادرشان دیوانه‌تر شود.

همسرش پایش را از دست داده، در بیمارستان جراحی شد. هزینه‌ی عمل، سرسام‌آور بود. چون مهاجر هستند، هیچ‌گونه حمایتی دریافت نکردند. از هر جایی که شد قرض کردند، قسمتی از پول پیش‌خانه را از صاحبخانه گرفتند و هرچه داشتند را دادند تا پای مرد را قطع کنند. اما این پایان ماجرا نبود

مرد برگشت. حالا یک فرد علیل در خانه است. بدون پا، با بدنی در حال فروریختن، با اعتیادی که هنوز ادامه دارد. خرج دارو، پانسمان، نگهداری، حالا تمام درآمد این زن را می‌بلعد. همان مردی که سال‌ها آزارش داده، حالا بار مضاعفی بر دوش اوست. و او هنوز مادر است و مجبور است قوی بماند..

موسسه‌ی ما فرزندان بزرگ‌ترش را در مدرسه ثبت‌نام کرد. به آنها کمک کردیم کتاب‌های درسی تهیه کنند، رويوش مدرسه بپوشند، درس بخوانند. تا شاید آینده‌شان چیزی جز تکرار گذشته‌ی مادرشان باشد.

این بار مادر را دوباره برای درمان آماده می‌کنیم و تلاش می‌کنیم تابوی مصرف دارو را بشکنیم. با بچه‌ها حرف زدیم، با اطرافیان صحبت کردیم. قرار است داروهایش را مصرف کند. قرار است کمی از خودش مراقبت کند. قرار است این بار، فقط کمی، بیشتر به خودش فکر کند.

ما، هر هفته با او در تعامل و تماسیم. برای کار، برای درمان، برای آموزش مهارت، برای مراقبت از بچه‌ها. پدر دیگر جایی در مدار خانواده ندارد. نه از سر بی‌مهری، بلکه برای حفظ آنچه باقی مانده است.

این، روایت زندگی یک مادر است. یکی از هزاران مادری که هر روز، میان فراموشی و بی‌پناهی، با جنگ و دندان زندگی را حفظ می‌کنند.





در مجموعه‌ی ما افرادی به عنوان داوطلب مشغول هستند که علاوه بر مهر و عشق زیاد به اهداف اصلی موسسه انسان‌های موثر و توانمندی در زندگی خود و اطرافیان محسوب می‌شوند، آنها مثل ریشه‌های محکم درختی هستند که هر روز پربارتر می‌شود و جهانی از دوستی و انسانیت می‌سازند.

پای صحبت‌های آنها نشستن یکی از قسمت‌های دلنشین حضور در این مجموعه است.

آدم‌هایی که از نزدیک ساده، صمیمی و تاثیرگذار هستند و رد حضورشان تا مدت‌ها بر ذهن مخاطب باقی می‌ماند

با یکی از این داوطلبین عزیز مصاحبه‌ی کوتاهی داشتیم که خوانندش خالی از لطف و عشق نیست:

بسیار خوشبختیم که شما در موسسه مهروماه به عنوان داوطلب مشغول به کار هستید، اولین سوال من این است که از چه زمانی با ما همکاری داشتید و در چه فعالیت‌هایی شرکت کردید؟

آشنایی من برمی‌گردد به سال ۹۳ و شرکت در جشنواره‌ی مهروماه که به عنوان مسئول پذیرایی از غرفه‌دارها با همه‌ی تجهیزات خود آماده کرده بودم، حاضر شدم، من از طریق یکی از دوستانم به مجموعه پیوستم و اصلاً قرار نبود بصورت دائم در فعالیت‌ها شرکت کنم اما کم‌کم وارد حوزه‌های دیگر نیز شدم به عنوان مربی خیاطی، معلم درس‌های تقویتی و همین‌طور در بخش صنایع دستی هم کارهایی انجام دادم اما اصلی‌ترین مسئولیتم که تا کنون نیز ادامه داشته، فعالیت در زمینه حمایت تحصیلی است.

احساس‌تان را از روز اول به یاد دارید؟

خوشحال بودم! تجربه‌ی جالبی بود و باعث شد به کلیت ما‌جرا بیشتر علاقمند شوم.  
بزرگترین چالش‌هایی که در جریان کار با موسسه داشتید چه چیزهایی بودند؟  
برای شخص من حضور در این مسیر و کار کردن با بچه‌ها جالب بود به شکلی که در ادامه تمام چالش‌ها هم به فرصت و اتفاقات دلنشین تبدیل شدند.

احساس می‌کنید شما بیشتر به مددجوها کمک کردید یا آنها بیشتر به شما؟

فکر می‌کنم متقابل بوده و تبادل احساس خوب و آرامش بین ما همیشه وجود داشته است.

قبل و بعد از این تجربه، چه چیزهایی در درون شما تغییر کرد؟

ارتباط با بچه‌ها و عشقی که از آنها دریافت می‌کنم نقش پررنگی در زندگی و حال خوبم داشته و دارد.

اکنون که به گذشته نگاه می‌کنید، فکر می‌کنید چه چیزهایی در زندگی شما تغییر کرده است؟

وقتی به مجموعه پیوستم دوره‌ی پرفشاری را از نظر کاری و روحی می‌گذراندم ولی این همکاری از دو جهت برای من سودمند بود اول این‌که ارتباط با بچه‌ها از نظر روانی و احساسی باعث آرامشم شد و تنش‌ها را کاهش داد. دوم این‌که من به کار معتاد بودم و نمی‌توانستم پذیرای بازنشستگی باشم. کارکردن با بچه‌ها و حضورشان کمکی بود تا راحت‌تر کار را کنار بگذارم.



وقتی کسی می‌گوید “چرا انقدر وقت می‌ذاری روی این کار؟”  
چطور جوابش را می‌دهید؟

- ♦ فعالیت‌های من در موسسه باعث بهتر شدن روحیاتم می‌شود و درواقع هیچ‌وقت در طول این مدت از این کارها خسته نشدم چون مطمئنم منجر به حال خوبم می‌شوند و برای آینده‌ی کودکان مفید هستند.

اگر دوستی صمیمی از شما بپرسد چطور می‌تواند کار داوطلبی را شروع کند، اولین چیزی که به او می‌گویید چیست؟

- ♦ به نظر من علاقمندی به کار داوطلبانه برای شروع کافی است و همین طور عشق و علاقه به بچه‌ها و کار و تمرین با آنها.

آیا آرزوی برای زنان و کودکان دارید که امیدوار هستید روزی محقق شود؟

- ♦ توانمندی و موفقیت و خوشحالی آنها برای من بسیار ارزشمند و دلنشین است.

متشکرم که همراه ما هستید و سپاس از وقتی که برای این مصاحبه گذاشتید. چه پیشنهادهایی برای بهبود عملکرد سایر داوطلبان دارید؟

- ♦ معتقدم اگر کسی به عنوان داوطلب به جمعی می‌پیوندد بهتر است که برجسب داوطلبی را فراموش کند و به عنوان نیروی کار مسئول و متعهد به نقش خویش بنگرد، به این ترتیب سختی کار هم برای اشخاص کمتر می‌شود.



## گزارش‌های تصویری

### در مسیر آموختن



مهروماه همیشه مامنی بوده است برای یادگیری و آموزش آنچه که به توانمندتر شدن فرزندان و زنان این سرزمین کمک خواهد کرد. زنان و کودکانی که از تحصیل محروم بوده‌اند در مجموعه‌ی ما مسیر تازه‌ای پیش رو دارند. داستانی نو که به همت و تلاش مداوم نیاز دارد و در پایان منجر به بهبود شرایط زندگی خانواده‌ها و جامعه می‌شود.

در سال ۱۴۰۳، ۹ نفر از دانش‌آموزان بخش حمایت تحصیلی مهروماه موفق به قبولی در آزمون کارشناسی دانشگاه‌ها شدند.



## جایی برای شنیده شدن و کمک گرفتن



گروه روانشناسی و مددکاری مهروماه همچون مراقبانی هرروزه در کنار کودکان و مادران و خانواده‌ها هستند و با یاری پزشکان داوطلب برای بهتر شدن حال جسمی افراد تحت پوشش از طریق ویزیت‌های هفتگی و غربال‌گری‌های بهداشتی در تلاش هستند. معمولاً شاهد بازخوردهای مثبت و علاقمندی زیادی از سوی خانواده‌ها برای مراجعه و دریافت کمک از این بخش پرتلاش مجموعه هستیم.

همچنین در این سال شاهد برگزاری کارگاه‌های مبارزه با خشونت علیه زنان، کارگاه‌های مختلف برای پسران نوجوان، مهارت‌های زندگی نوجوانان برای دختران، کارگاه‌های بلوغ برای نوجوانان و کلاس‌های اختلال یادگیری در مجموعه بودیم.







### مدرسه‌ی خلق هنر و نوآوری

خانه‌ی فرهنگ و هنر هم یکی از بخش‌های موسسه است که شور و نشاط زندگی را فریاد می‌زند، صدای کودکان سرمست هنگام یادگیری فضای این آموزشگاه را پر می‌کند.



بچه‌ها شطرنج یاد می‌گیرند، به کلاس‌های موسیقی می‌روند، همراه با مربی نقاشی می‌کشند و ورزش می‌کنند در دوره‌های نقد کتاب شرکت می‌کنند و به کتاب‌ها علاقمند می‌شوند. در سال ۱۴۰۳ اردوهای مختلفی برای کودکان و نوجوانان تدارک دیدیم و آنها را به پارک‌ها و سینماهای زیادی بردیم همچنین از موزه‌های تاریخی، فرهنگی، هنری نیز بازدید داشتیم. علاوه بر برنامه‌های تفریحی برای کودکان مادران نیز در اردوها و کلاس‌های هنری و فرهنگی متعددی مثل یوگا و جلسات کتاب‌خوانی حاضر می‌شوند.



در فصل تابستان این بخش فعال‌تر می‌شود و با برگزاری کلاس‌های زبان و تقویتی درس‌های مختلف کنار خانواده‌ها هستیم تا فرزندان‌شان از سایر جنبه‌های زندگی باز نمانند و تا جایی که فرصت هست رشد کنند و پویا باشند.







## جشن و شادی و دلخوشی‌های کوچک

در مهرماه جشن‌ها و آیین‌ها مهم و باارزش هستند. ما به مناسبت‌های مختلف دور هم جمع می‌شویم تا کنار کودکان و برای شادی آنها جشن بگیریم.

از جشن روز معلم گرفته تا شروع سال تحصیلی جدید، یلدا و خوراکی‌هایش و در پایان سال هم به پیشواز بهار و عید نوروز می‌رویم.

در تمامی این مراسم‌ها به کودکان هدایایی می‌دهیم و با موسیقی و سرودخوانی از آنها استقبال می‌کنیم تا همیشه در ذهن و خاطره‌ی آنها حک شود که در روزهای خوب و بد کنارشان هستیم و ارزشمندترین دارایی موسسه هستند.







## کارآفرینی با زنان مهرسا و مهرچین

نقش و نقوشی که پوشیده می‌شوند!

مهرسا همان جایی است که به زنان یاد می‌دهد مستقل و توانمند باشند و محصولات تولید کنند که از کیفیت و زیبایی کافی برخوردارند، در این بخش کلاس‌های آموزشی خیاطی و گل‌دوزی و بافندگی داریم و به مراجعان این امکان را می‌دهیم که بتوانند پس از یادگیری به صورت مستقل به کار و کسب درآمد مشغول شوند.





### بیا برای لقمه گرفته‌ام!

مهرچین آشپزخانه‌ای که نشان خوشمزگی بر خود دارد.

جایی که زنان و مادران با دستپخت خوب از سفارش‌دهندگان پذیرایی می‌کنند. محصولات این گروه در بسته‌بندی‌های زیبا برای مصارف روزانه و نیازهای خانواده‌ها آماده و ارسال می‌شود و ما مفتخریم که شاهد رضایت مصرف‌کنندگان و سفارش‌های بیشترشان هستیم.



## بازارچه

بازارچه سالانه مهروماه که در آبان ۱۴۰۳ طبق رسم هر ساله برگزار شد یکی از موفق‌ترین فعالیت‌های سال‌های اخیر موسسه بود که با استقبال خوب مراجعین و حمایت‌های بی‌دریغ‌شان پایان یافت.

**برای آموزش برای امید برای تغییر**

ششمین بازارچه خوراک و صنایع دستی  
موسسه توانمندسازی مهروماه



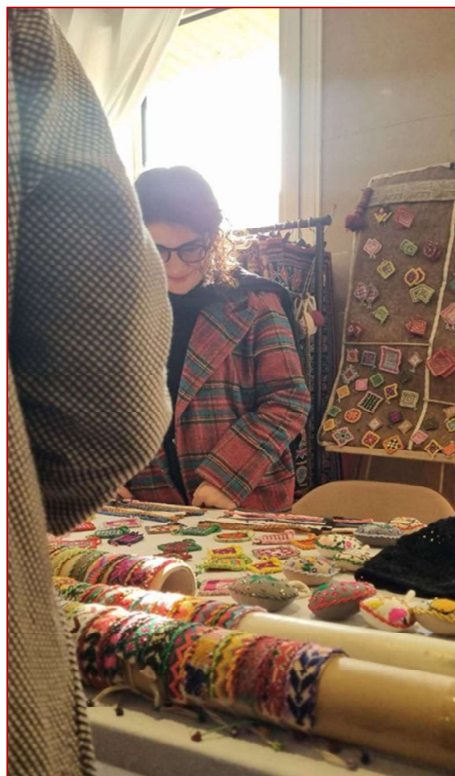
مکان: مجتمع مسکونی باغ بهشت واقع در ۲۴ متری سعادت آباد  
انتهای کوچه سوم سالن اجتماعات برج C2

۲۵ آبان ماه ۱۴۰۳ | از ساعت ۱۱ تا ۲۰

کلیه عواید این بازارچه صرف آموزش و توان‌افزایی زنان و کودکان خواهد شد

راه‌های ارتباطی  
۰۲۰-۳۱۷۵۶۸-۲۲-۷۹۹۰۵







## نمایشگاه ها

در این سال گروه‌های کارآفرینی موسسه مهروماه (مهرا و مهرچین) در نمایشگاه‌های زیادی از جمله نمایشگاهی که شرکت کیسون در راستای حمایت از زنان سرپرست خانوار بصورت سالانه برگزار می‌کند شرکت کرده و با عرضه محصولات با کیفیت و اصیل حضور موفقی از خود نشان دادند.



## پژوهش

موسسه مهروماه با همکاری موسسه رحمان و جمعی از پژوهشگران طرحی پژوهشی را پی گرفت با مضمون پایان دادن به کار کودکان. این طرح در نهایت بصورت کتابی با همین عنوان تدوین و چاپ و طی مراسمی از آن رونمایی شد و در دسترس عموم قرار گرفت.

مجموعه مسائل ایران - 1

Ending Child Labor on the Streets  
Situation Analysis  
Review of Experiences and Strategies

کاز کودک در دهانه‌ها: جهانی حقوق کودک، منع شده است، اما کودکان بسیاری در مسیر معادن کوکس ایران، به‌ویژه نیمی از آن در حوضچه‌های نامی و پرهیز ایران، پس از دست دادن توان حرکتی در سفرهای غیرمجاز، در فضاهای نامناسب و بی‌امنیت، در معرض آلودگی هوا، آلودگی صوتی و آلودگی آب قرار می‌گیرند. کودکان در معرض آلودگی هوا، آلودگی صوتی و آلودگی آب قرار می‌گیرند. کودکان در معرض آلودگی هوا، آلودگی صوتی و آلودگی آب قرار می‌گیرند.

پایان بخش به کار کودکان در خیابان

تحلیل وضعیت مرور تجربیات و راهبردها

پایان دادن به کار کودکان در خیابان

موسسه توانمندسازی زنان و کودکان مهروماه و موسسه رحمان

مهروماه

کتابخانه

مهروماه

کتابخانه





### آموزش همکاران و ارتقای سطح کیفی فعالیت‌ها

در سالی که پشت سر گذاشتیم ۲۳ دوره آموزشی برای همکاران مجموعه برگزار شد و کارگاه‌های متنوعی در شاخه‌های مختلف برای کارکنان داشتیم.



کمپین‌ها

برخی از کمپین‌هایی که در این سال برگزار شد شامل آموزش، نوروز سهم همه، کمپین تهیه بخاری برای خانواده‌ها بود که نتایج راضی‌کننده‌ای در پی داشت.



# کمپین آموزش، امید، تغییر

شماره کارت  
۶۲۷۴۱۲۱۹۴۰۰۰۱۶۱۳

شماره حساب  
۲۰۲-۸۵۰-۵۳۵۸۸۱۳-۱

شماره شبا  
IR۱۳۰۵۵۰۰۲۰۲۸۵۰۰۵۳۵۸۸۱۳۰۰۱

بانک اقتصاد نوین به نام  
موسسه مهرماه شمیرانات

## آموزش به زنان و کودکان قدرت تغییر می‌دهد حمایت شما سرآغازی برای تغییر زندگی آنهاست



مهرماه شمیرانات  
موسسه توانمندسازی زنان و کودکان



## نوروز، سهم همه

با همدلی شما، نوروز رنگ دیگری می‌گیرد. کمک امروز شما می‌تواند سفره‌ای خالی را پر، کودکی را خوشحال و خانواده‌ای را امیدوار کند.  
**همین حالا به این پویش بپیوندید!**

### برای با هم بودنمان

شماره کارت

۶۲۷۴-۱۲۱۹-۴۰۰۰-۱۶۱۳

موسسه مهرماه شمیرانات

بانک اقتصاد نوین

شماره حساب

۲۰۲-۸۵۰-۵۳۵۸۸۱۳-۱

شماره شبدا

IR130550020285005358813001



«سرما از راه رسید»

## ۱۲ خانواده مهروماه نیازمند بخاری هستند

اکنون می‌توانید با کمک‌های نقدی خود گرمابخش خانه‌های زنان و کودکان مهروماه باشید

شماره حساب

۲۰۲-۸۵۰-۵۳۵۸۸۱۳-۱

شماره کارت

۶۲۷۴۱۲۱۹۴۰۰۰۱۶۱۳

شماره شبا

IR۱۳۰۵۵۰۰۲۰۲۸۵۰۰۵۳۵۸۸۱۳۰۰۱

بانک اقتصاد نوین به نام موسسه مهر و ماه شمیرانات

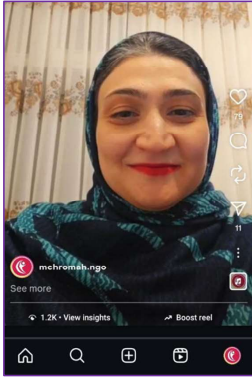
برای کسب اطلاعات بیشتر با روابط عمومی تماس بگیرید

۰۹۳۰۳۱۷۵۶۸۰



## سایر فعالیت‌ها

در کنار همه این فعالیت‌ها برنامه‌ای به شکل لایو برای روز جهانی زن داشتیم همچنین پاکسازی محله فرحزاد از زباله توسط زنان گروه یوگا که بسیار مورد استقبال قرار گرفت.



موسسه مهروماه به مناسبت  
روز جهانی منع خشونت علیه زنان  
برگزار می‌کند

لایو با موضوع  
نقش خانه‌های امن در حمایت از زنان در معرض خشونت  
با حضور

  
فاتیما باباخانی  
حقوقدان و  
مدیر خانه امن غیردولتی «مهر شمس آفرید»

  
مهروماه

  
فاطمه علمدار  
جامعه شناس و  
رئیس هیئت مدیره «موسسه مهروماه»

شنبه ۱۰ آذر  
ساعت ۸ شب

تماشای لایو در اینستاگرام مهروماه  
@mehromah.ngo



## در پایان

با تمام سختی‌ها و مشکلات، تمام فراز و نشیب‌ها سال ۱۴۰۳ را به پایان رساندیم و مفتخریم که یک سال دیگر در کنار حامیان و داوطلبان و همکاران عزیز، در راستای ارتقای سطح کیفی زندگی و آموزش و تحصیل خانواده‌های تحت پوشش موسسه گام برداشتیم و لحظات خوب و بد بسیاری را پشت سر گذاشتیم. همچنین امید داریم ادامه این مسیر روشن و پر نور بماند و دستاوردهای بیشتری در مسیر توسعه و رشد کسب کنیم.






آینده از آن زنان و کودکانی خواهد بود که امید به فردا در دلشان زنده شده است.


تهران- یادگار امام شمال- خیابان ایثارگران شمالی- خیابان امامزاده داوود-  
کوچه عمویی- پلاک ۴


۰۲۱-۲۲۳۸۲۶۶۵

۰۲۱-۲۲۳۸۵۲۶۴

 mehromah.ngo

 www.mehr-o-mah.com

 @mehromahngo

 mehromah.far@gmail.com